

بررسی ساختار داستان های حیوانات در ادبیات کودکان

رضا محمودی

دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی پردیس بحرالعلوم استان چهارمحال و بختیاری، ایران.

rezamahmoudi2203@gmail.com

پیمان کریمی

دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی پردیس بحرالعلوم استان چهارمحال و بختیاری، ایران.

paeymankk1380@gmail.com

چکیده

داستان های حیوانات یکی از پرطرفدارترین ژانرهای ادبیات کودکان است. این داستان ها معمولاً دارای ساختاری مشخص و الگوهای تکرارشونده هستند. ویژگی های ساختاری این داستان ها شامل شخصیت های اصلی که معمولاً حیوانات هستند، زمان و مکان داستان که معمولاً در طبیعت و جنگل ها اتفاق می افتد، درگیری اصلی که معمولاً بین حیوانات یا بین حیوانات و انسان ها است، پیرنگ که معمولاً ماجراجویی، حل مشکل و یافتن راه حل است، و پایان که معمولاً خوشبینانه و درس آموز است. الگوهای تکرارشونده در این داستان ها شامل حیوانات به عنوان نماد ویژگی های انسانی، تقابل قوی و ضعیف معمولاً بین حیوانات بزرگ و کوچک یا حیوانات و انسان ها، پیام های اخلاقی و درس آموز، و استفاده از طبیعت به عنوان بستر داستان است. بررسی ساختار و الگوهای این داستان ها به درک بهتر این نوع داستان ها و تأثیر آن ها بر کودکان کمک می کند. در تدوین این مقاله از روش کیفی و کتابخانه ای استفاده شده است که منبع هر مطلب در پایان آن ذکر گردیده است و مشخصات و آدرس کامل کتب و مقالات و... مورد استفاده در پایان مقاله گنجانده شده است.

کلمات کلیدی: ساختار، داستان های حیوانات، ادبیات کودکان

مقدمه

نویسندگان صاحب ذوق در حوزه داستان و شاعرانی که خلاقه توانسته اند در حوزه ادبیات خودشان را معرفی کنند، عموماً آدم هایی بوده اند که در دوران های مختلف توانسته اند آرا و عقاید خود را آن گونه که می خواهند بیان کنند، حال این بیان گاه به شکل های استعاری و پنهان بوده و گاه صورتی آشکار به خود گرفته است. اما در دوران هایی نویسندگان شخصیت های اثرشان را از حیوانات برگزیده اند. این انتخاب به چند دلیل انجام می گرفته است. دلیل نخست این بوده که در برخی دوران ها به دلایل فشار پادشاهان امکان مستقیم نویسی و یا از انسان ها و ظلم و جوری که بر آنها می رود نوشتن باعث دستگیری و ایجاد مشکل برای نویسنده شده و او از خیر این کار می گذشته است. اما وقتی حرف و سخن از زبان حیوانات باشد دیگر نمی شود خرده ای بر اتفاقات گرفت چرا که شخصیت ها انسانی نیستند. دلیل دوم «جنگلی» بودن مسأله است. جنگل در معانی انسانی آن جدای از طبیعت و بکر بودن و سبز بودن و تمام اتفاقات و ویژگی های منحصر به فرد و خوب معنی دیگری هم دارد و آن تداعی معنی هرج و مرج است. انسانها قانون جنگل را قانونی می دانند که مروج این است که پرزور کم توان را می کشد و هرکس قوی تر است می ماند. در این فضا بیان هر مسأله ای راحت می شود چرا که به جز قاعده زورگویی قاعده دیگری قابل بیان نیست. دلیل سوم ویژگی های انسان هایی است که گاه از سر اشاره به حیوانات نزدیکند، مثلاً آدم های زبر و زرنگ به پلنگ، آدم های مرموز



به روباه و مار، آدم های درنده خو به گرگ، پاک و آسمانی به کبوتر و... این ویژگی ها یکی دیگر از دلایلی است که نویسنده شخصیت هایی انسانی اش را به حیوانات بدل کرده و آنها را در داستان هایش می آورد (سیدی، ۱۳۹۸).

فابل از ریشه لاتین Fabula به معنی بازگفتن است و بر روایت کردن تأکید دارد. این اصطلاح در دوران قرون وسطی و رنسانس اغلب هنگام سخن گفتن از طرح یک روایت به کار می رفت. در کتاب «حکایت از زبان حیوانات» آمده است: «در اصطلاح ادبی فابل داستان کوتاه و ساده ای است که معمولاً شخصیت های آن حیوانات هستند و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است. البته «فابل» گاهی نیز برای داستان های مربوط به موجودات طبیعی و یا وقایع خارق العاده و افسانه ها و اسطوره های جهانی و داستان های دروغین و ساختگی به کار می رود، شخصیت ها در «فابل» اغلب حیواناتند، اما گاهی اشیای بی جان هم در آن حضور دارند».

در فرهنگ اصطلاحات ادبی جهان می خوانیم در فابل حیوانات مطابق با طبیعت خود عمل می کنند جز آن که سخن می گویند ، موضوعات و مایه های اصلی در «فابل» بی شمار است و بخشی از فرهنگ عوام و ابداعات اهل مغالطه است، دیدگاه «فابل» واقع گرا و کنایه آمیز است». این تعریف در عین کوتاهی جامع تر است. دکتر محمد تقوی معتقد است: «حکایت های موجود فارسی که از زبان حیوان نقل شده اند، اغلب کوتاه ، ساده، اخلاقی یا متضمن تعلیم اخلاقی بویژه اخلاق اجتماعی هستند و از این رو در زمره «فابل»ها می گنجند. باین حال کم و بیش نمونه هایی از حکایت ها هستند که دارای شخصیت های حیوانی اند، اما برخی ویژگی های «فابل» را ندارند و به آنها می توان تمثیل رمزی یا «الگوری» گفت. (الگوری شیوه بیانی ای است که در آن یک شخص ، یک عقیده مطلق یا یک واقعه، هم نشان دهنده خودش است هم نشان دهنده دیگری الگوری استعاره گسترده است) که نمونه های آن بسیار اندکند و از آن می توان به موش و گربه عبید زاکانی اشاره کرد، یا حکایت هایی هستند که برای تبیین مفاهیم غیر قابل بیان و نگفتنی به کار گرفته شده اند (مانند منطق الطیر) که در زمره داستان های رمزی قرار می گیرند. از چند حکایت یا داستان انگشت شمار که بگذریم، بیشتر حکایت ها طرح و ساختار مشابهی دارند و مضمون آنها از سوی داستان گو یای راوی به صراحت بیان شده است».

در واقع داستان های «فابل» که با شخصیت های حیوانی نوشته می شوند آنقدر توانستند تأثیرگذار باشند که گاه در حوزه کودک هم حضور پیدا کردند، حضور آنها در حوزه کودک به این شکل بود که کودکان علاقه مند بودند حیوانات با زبان کودکانه برای آنها حرف بزنند، این حضور تا جایی پیش رفت که شرکتهای بزرگ فیلمسازی دنیا بر آن شدند شخصیت های کارتونی آثارشان را از حیوانات انتخاب کنند، خرس، فیل، الاغ، خرگوش، سمور، زنبور عسل، ملخ، خوک، شیر، زرافه و خیلی از حیوانات دیگر پس از حضور موفق در نوشتار در هنرهای بصری هم حضور پیدا کردند و توانستند بسیار موفق جلوه کنند. حتی این موفقیت تا امروز هم ادامه داشته است، همان طور که می دانید کارتون شیرشاه و شرک جزو کارتون های پر بیننده ای هستند که در شخصیت های آنها حیوان هم هست. توجه کودکان به این آثار اگرچه از دلایلی که در ابتدای اثر در مورد آثار «فابل» نام بردم فاصله دارد اما می توان مواردی را یافت که می شود با آن دلایل مطابقت هایی پیدا کرد.

پیشینه «فابل»:

شاید از همان زمانی که انسان در رابطه با حیوان قرار گرفت تاریخ «فابل» رقم خورد و نمی شود تاریخ دقیقی را برای این مبحث مشخص کرد. در حکایت های حیوانات در ادب فارسی درباره این رابطه آمده است: «در این دوران انسان به حیوان همچون موجودی که با او در حیات جسمی و روحی شریک است، می نگرست و چه بسا گاهی به دلایل مختلف برای او نسبت به خود برتری قائل بود. بسیاری از حیوانات را قوی تر از خود می یافت و آنها را مظهر قدرت می شمرد، برخی را حیله گر می یافت و برخی را شرور و این تجربه ها به شکل گرفتن اعتقادهای خاصی درباره حیوانات منجر شد. تجسم یافتن کهن الگوها در هند، مصر و یونان و... در قالب حیوانات خاصی یا ترکیبی از چند حیوان از این نگرش همراه با خضوع حکایت می کند. بی شک این



نگرش نخستین تا مدت ها باقی مانده است و حضور حیوان در مقدس ترین مکان ها به شکل نقاشی یا مجسمه های عظیم خود حکایت از مقام ومنزلت حیوان نزد انسان های بدوی دارد(نبی لو، ۱۳۹۳).

بررسی ساختار داستان های حیوانات در ادبیات کودکان:

۱- مولفه شناخت

- داستان های حیوانات یکی از پرطرفدارترین ژانرهای ادبیات کودکان است.

- این داستان ها معمولاً دارای ساختاری مشخص و الگوهای تکرارشونده هستند.

۲. ویژگی های ساختاری داستان های حیوانات:

- شخصیت های اصلی: معمولاً حیوانات هستند که انسان مانند رفتار می کنند.

- زمان و مکان: معمولاً در دنیای طبیعت و جنگل ها اتفاق می افتد.

- درگیری اصلی: معمولاً بین حیوانات یا بین حیوانات و انسان ها است.

- پیرنگ: معمولاً شامل ماجراجویی، حل مشکل و یافتن راه حل است.

- پایان: معمولاً خوشبینانه و درس آموز است.

۳. الگوهای تکرارشونده در داستان های حیوانات:

- حیوانات به عنوان نماد انسان ها: حیوانات نمایندگان ویژگی های انسانی هستند.

- تقابل قوی و ضعیف: معمولاً بین حیوانات بزرگ و کوچک یا حیوانات و انسان ها است.

- پیام های اخلاقی: داستان ها معمولاً پیام های اخلاقی و درس آموز دارند.

- استفاده از طبیعت: طبیعت و محیط زیست به عنوان بستر داستان نقش مهمی دارد.

- داستان های حیوانات در ادبیات کودکان دارای ساختار و الگوهای مشخصی هستند.

- این ساختار و الگوها به ارائه پیام های اخلاقی و درس آموز به کودکان کمک می کند.

- بررسی این ساختار به درک بهتر این نوع داستان ها و تأثیر آن ها بر کودکان کمک می کند(میرزائی، ۱۳۹۵).

ساختار داستان های حیوانات در ادبیات کودکان یکی از محبوب ترین و مؤثرترین انواع داستان ها برای بچه ها است. این داستان ها معمولاً با استفاده از شخصیت های حیوانی که ویژگی های انسانی دارند، مفاهیمی مانند دوستی، همکاری، شجاعت و عدالت را به کودکان آموزش می دهند. در ادامه به برخی از ویژگی های کلیدی ساختار این داستان ها می پردازیم:

۱. شخصیت پردازی

در داستان های حیوانات، شخصیت ها اغلب حیواناتی هستند که رفتار و خصوصیات انسانی دارند. این امکان را به نویسنده می دهد که بتواند موضوعات پیچیده تری مانند عدالت، صداقت و ترس را به شیوه ای ساده تر و قابل فهم برای کودکان بیان کند.

۲. ماجراجویی

بسیاری از داستان های حیوانات بر ماجراجویی تأکید دارند. این ماجراجویی ها می توانند شکل گرفتن دوستی های جدید، کشف مکان های ناشناخته یا حل مشکلات را شامل شود. این نوع داستان سربازی کودکان را به کشف و یادگیری تشویق می کند.

۳. درس های اخلاقی

تقریباً هر داستان حیواناتی در ادبیات کودکان حاوی درس های اخلاقی است. نویسندگان از طریق تعاملات و تجربیات شخصیت های حیوانی، مفاهیم اخلاقی مانند راستگویی، شجاعت، و مهربانی را به کودکان می آموزند.

۴. سادگی داستان



داستان‌های حیوانات معمولاً دارای ساختاری ساده و قابل فهم هستند. این سادگی به کودکان کمک می‌کند تا به راحتی داستان را دنبال کنند و از آن لذت ببرند. همچنین، این نوع داستان‌سرایي امکان تکرار و مرور داستان‌ها را برای کودکان فراهم می‌آورد که برای یادگیری ضروری است.

۵. تصویرسازی جذاب

تصویرسازی در داستان‌های حیوانات نقش بسیار مهمی دارد.

آثار ادب کهن فارسی درباره حیوانات

اگرچه «کلیله و دمنه» اثری پارسی نیست اما تأثیر زیادی بر ادب پارسی گذاشته است. آنقدر که بلعمی آن را به نثر و رودکی بخش‌هایی از آن را به شعر درآورده است. از تأثیرات این اثر بر ادب پارسی می‌توان به «مرزبان نامه» اثر سعدالدین وراوینی اشاره کرد که البته نه از روی کلیله و دمنه به تقلید بلکه از منابع مختلف هنری و غیرهنری به اضافه اثری با همین نام از اسپهبد مرزبان ابن رستم بن شروین از ملوک طبرستان تألیف شده است. آثار دیگری نیز در زبان فارسی داریم که در آن به حیوانات اشاره شده است و از آن می‌توان به «سندبادنامه» اشاره کرد. این اثر توسط ظهیرالدین سمرقندی در قرن ششم نوشته شده است. «جوامع الحکایات» محمد عوفی نیز از آثاری است که در آن به حیوانات اشاراتی شده است. «به طور کلی حکایات‌های حیوانات در آثار فارسی اعم از نظم و نثر دو شکل کلی دارد. برخی آثار خود حکایت‌ها را موضوع کار قرار داده اند و باب‌ها یا فصولی از کتاب را به داستان‌های کم و بیش طولانی از حیوانات اختصاص داده اند، یعنی داستان‌های اصلی در آنها، با شخصیت‌های حیوانی شکل می‌گیرد. این ویژگی در وهله اول در «کلیله و دمنه» سپس «مرزبان نامه» به چشم می‌خورد و بعد در برخی بخش‌های «جواهرالاسمار» و «سندبادنامه» دیگر آثار اغلب در زمره آثار داستانی نیستند بلکه بیشتر شامل باب‌هایی در موضوعات متنوع اخلاقی و تعلیمی هستند که به اقتضای سخن از حکایت‌های حیوانات نیز در آن گنجانده شده است. مانند «جوامع الحکایات»، «فرائد السلوک»، «بهارستان» جامی که فصل‌ها و باب‌هایی با عناوین مختلف چون در فضایل علم یا وجود یا قناعت و... دارند که برای تأیید سخن در باب مسائل مختلف از آن حکایت‌ها بهره گرفته شده است. بنابراین با توجه به تعاریفی که از اصطلاحات مربوط به حکایت‌های حیوانات یا راجع به آنها ارائه شده اغلب حکایت‌های فارسی در تعریف «فابل» می‌گنجد نه «الگوری» به معنی تمثیل رمزی و دو پهلویی که یک سوی آن یا یک معنی آن به عمد مخفی نگه داشته شود، در حالی که مقصود اصلی گوینده یا واضع داستان همان معنای مخفی است، تنها استثنا در ادبیات فارسی منظومه موش و گربه عبید زاکانی است که در آن نویسنده با یک حکایت متعرض مسائل سیاسی شده و از جنگ قدرت سخن گفته است. گربه عابد در حکایت حاکمی به نام امیر مبارزالدین است که بر سپاه شیخ ابواسحق حمله می‌آورد و در نهایت او و تمام فرزندان و اطرافیانش (موش‌ها) در برابر قضا، حکام و امیرانی است که حاکمیت را در اختیار دارند (گربه عابد) و با ظاهری ریایی به جان و مال مردم چنگ انداخته اند (شفیعی مهر، ۱۳۹۷).

شیوه نقل قصه در آثاری که حیوانات شخصیت‌های اصلی آن هستند تفاوت چندانی با قصه‌ها و شخصیت‌انسانی ندارد، اما مسأله قابل توجه در این نوع قصه نویسی نوع روایت آن است. همان طور که می‌دانید این شیوه نگارش که قصه در قصه است از هند وارد ایران شده و بسیار هم در این سرزمین مورد توجه واقع شده است. شاید یکی از نمونه‌های اعلای آن که البته شرقی است «الف لیل و لیل» هزار و یک شب باشد که بسیار مشهور است.

در این اثر نیز ما قصه‌های مختلفی را می‌خوانیم که در هم تنیده شده اند. گفت و گو یکی دیگر از ویژگی‌های مهم در قصه است که البته این ویژگی در «فابل»‌ها هم قابل تعمیم است. مانند حکایت‌های خفاش و طاعن او، سار و درخت چنار در «مصیبت نامه»، حکایت اشتر و ابله، دو روباه، بلبل و زاغ در حدیقه الحقیقه و... حتی در برخی آثار کل قصه جزئی از یک گفت و گو بین دو شخصیت است که قصه یک دفعه با برشی از میان آن آغاز می‌شود. در واقع این گونه می‌توان پنداشت که دیالوگ بین دو



کاراکتر حیوانی که شخصیت های یک قصه هستند می توانند یک قصه مستقل را ایجاد کنند. پرداختن این موضوع مهم، بخش قابل توجهی از دریچه های ارتباطی را به روی ما می گشاید (اچرش، ۱۳۹۶).

چگونگی همذات پنداری با شخصیت های حیوانی در «فابل»ها این گونه نیست که وقتی ما ویژگی های نادرست یک حیوان را همان گونه که هست به نوشتار درمی آوریم (که البته این ویژگی های نادرست از نگاه انسانی ما این گونه است، در حالی که در قانون حیوانات این مسأله کاملاً تبیین شده است) و بعد به شخصیت او زبان انسان را اضافه می کنیم. هر انسانی که فکر کند ویژگی های رفتاری اش مانند آن حیوان است، به طور قطع درمی یابد که دیگران به او چگونه می نگرند، حتی ممکن است به لحاظ بیرونی این موضوع را نپذیرد اما در ضمیر خود به این مسأله به شدت، دقت می کند. اخلاق گرگ و روباه که درندگی و زیرکی است می تواند در چهره های حیوانی تأثیرات قابل توجهی را در رفتار انسان ها بگذارد. اگر به رام کردن حیوان درون بپردازیم، حیوانی که در واقع در درون ماست بلکه ویژگی های ناپسند آن را به همراه داریم می توانیم به یک موقعیت متناسب به لحاظ شخصیتی برسیم.

نتیجه گیری

داستان های حیوانات در ادبیات کودکان نه تنها به عنوان ابزاری برای سرگرمی بلکه به عنوان وسیله ای برای آموزش درس های اخلاقی و تقویت مهارت های اجتماعی و عاطفی کودکان عمل می کنند. این داستان ها با استفاده از شخصیت های حیوانی که خصوصیات انسانی دارند، موقعیت هایی را ایجاد می کنند که کودکان می توانند به راحتی با آنها ارتباط برقرار کنند و از آنها درس هایی بیاموزند. این ساختار نه تنها به تقویت تخیل و خلاقیت کمک می کند بلکه فرصت هایی برای گفتگو و بحث در مورد موضوعات مختلف اخلاقی و اجتماعی را فراهم می آورد. به همین دلیل، داستان های حیوانات همچنان یکی از ارکان اصلی در ادبیات کودکان به شمار می روند و احتمالاً به این نقش خود ادامه خواهند داد.

منابع

- سیدی، ندا، ۱۳۹۸، نماد پردازی حیوانات در داستان های کودکان در زبان فارسی، نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، شیراز.
- میرزائی، عبدالله، ۱۳۹۵، بررسی در زمانی هویت بخشی به حیوانات در ادبیات فارسی، نخستین همایش ارتباطات، زبان و ادبیات فارسی و مطالعات زبان شناختی، همدان.
- نبی لو، علیرضا، ۱۳۹۳، بررسی ساختارروایی داستان کودکان بر مبنای نظریه گریماس، فصلنامه کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، دوره: ۱۴، شماره: ۲۶.
- شفیعی مهر، شهرزاد، ۱۳۹۷، بررسی عناصر داستان در داستان کوتاه ماهی سیاه کوچولو، هشتمین همایش ملی متن پژوهی ادبی نگاهی تازه به ادبیات داستانی معاصر، تهران.
- اچرش، شیدا، ۱۳۹۶، نقش و جایگاه فابل در آموزش کودکان ۶ تا ۱۲ سال (با نگاهی به فارسی خوانداری سوم و چهارم ابتدایی)، مجله پویش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره، دوره: ۱۳۹۶، شماره: ۶.